

کارکردهای اقتصادی خلعت و خلعت‌بخشی در عصر قاجار

(بر اساس گزارش سیاحان خارجی)

چکیده

در عصر قاجار همواره در مناسبت‌های مختلف انواع تقدیمی‌ها، اعم از خلعت و پیشکش بین شاه و مقام‌های پایین‌دست و در مواقعی سفرای دول خارجی ردوبدل می‌شد. یکی از مهم‌ترین تقدیمی‌هایی که در این دوره به‌عنوان عطیه‌ای ملوکانه از طرف شاه به زیردستانش اعطاء می‌شد و در کانون توجه سیاحان خارجی قرار گرفته است، خلعت شاهی بود. خلعت نوعی جامه یا تن‌پوش بود که به فراخور مقام، منصب و موقعیت افراد به‌ویژه کارگزاران حکومتی از طرف شاه در زمان‌هایی خاص به‌ویژه در عید نوروز به آن‌ها اعطا می‌شد. خلعت‌بخشی و اعطای خلعت‌شاهی با آیین‌ها و ملزوماتی همراه بود و جایگاه افراد خلعت‌گیرنده و اهمیت خدمات آن‌ها به شاهان قاجار در تعیین نوع آن سهم به‌سزایی داشت. در این پژوهش به دنبال پاسخ‌گویی به این پرسش هستیم که بر اساس فهم و گزارش سیاحان خارجی خلعت‌بخشی شاه و خلعت‌پوشی در عصر قاجار چگونه بود و کارکردهای اقتصادی، پیامدها و عوامل مؤثر در آن چه بودند؟ یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که ارسال خلعت از طرف شاه تا رسیدن به فرد مورد مرحمت با تشریفات خاصی انجام می‌شد که این امر از نظر اقتصادی یکی از کانال‌های درآمدزایی دربار محسوب می‌شد و با توجه به سازوکاری که برای اعطای خلعت در پیش گرفته می‌شد هزینه‌های مربوط به آن برای دربار کاهش می‌یافت. از طرفی خلعت اعطایی به شخص مورد مرحمت، آثار زیان‌باری همچون فشار مالی بر رعایای تحت سلطه‌ی آن‌ها را به همراه داشت.

واژگان کلیدی: خلعت، پیشکش، پادشاهان قاجار، مناصب حکومتی، تشریفات.

۱- مقدمه

یکی از عوامل مؤثر بر تثبیت جایگاه حکومت‌ها و افزایش کارآمدی آن‌ها، توان مالی و داشتن خزانه‌ی مالامال از ثروت بود. بنابراین یکی از دغدغه‌های حکومتگران که همواره قدرت و جایگاهشان را تحت تأثیر قرار می‌داد جمع‌آوری ثروت و پر کردن خزانه بود. به همین علت پادشاهان قاجار از راه‌ها و کانال‌های مختلفی سعی می‌کردند بر ثروت خود بیفزایند. عوامل و شرایط مختلفی در افزایش و کاهش درآمد دربار ایران در این دوره نقش داشتند؛ به‌طوری‌که سیاحان خارجی ردوبدل کردن انواع تقدیمی‌ها و هدایا را دارای سهم زیادی در کاهش و افزایش ثروت دربار دانسته‌اند؛ در این میان خلعت شاهی و پیشکش دو نوع تقدیمی در عصر قاجار بودند که از بالاترین شخص مملکت (شاه) تا پایین‌ترین مقامات حکومتی و مردم عادی را از نظر اقتصادی و دیگر جنبه‌ها

تحت تأثیر قرار می‌داد. خلعت شاهی که همواره از طرف شاه به زبردستانش تقدیم می‌شد از نظر معنوی عطیه‌ای ملوکانه بود که اهمیت و کارکرد ویژه‌ای برای گیرنده آن داشت؛ در واقع خلعت بخشی از جانب شاه به زبردستانش، مهر تأییدی بر ابقاء و انتصاب افراد در مشاغل مختلف به‌ویژه حکمرانی در ایالات و ولایات بود. به همین علت خلعت‌گیرنده به پاس مرحمت ملوکانه و نیاز به استمرار آن در سال‌های آتی می‌بایست با تقدیم پیشکش‌های ارزشمند و هنگفت سپاسگزاری خود را به شاه ابراز می‌کرد؛ بنابراین خلعت بخشی یکی از عوامل مهم در چند برابر شدن پیشکش‌های تقدیمی بود. از طرف دیگر با توجه به این که خلعت بخشی هزینه‌های زیادی برای خزانه دربار به همراه داشت بخش اعظم آن از طریق پیشکش‌های تقدیمی حکام و هدایای سفرای خارجی تأمین می‌شد. بنابراین در مجموع خلعت بخشی از نظر درآمدزایی، برای دربار به صرفه بود و چند برابر آن با پیشکش جبران می‌شد؛ اما در مقابل شخص گیرنده و به‌طور اخص حکام با تقدیم پیشکش برای به دست آوردن خلعت و تشریفات و تدارکات ویژه‌ای که برای نمایاندن مرحمت شاه انجام می‌دادند هزینه‌های زیادی را متحمل می‌شدند که به‌ناچار می‌بایست آن‌ها را از رعایای تحت امر خود تأدیه می‌کردند. از این رو در پژوهش حاضر به‌صورت توصیفی-تحلیلی در پی پاسخگویی به این پرسش هستیم که بر اساس فهم و گزارش سیاحان خارجی خلعت بخشی شاه و خلعت پوشی در عصر قاجار چگونه بود و کارکردهای اقتصادی، پیامدها و عوامل مؤثر در آن چه بودند؟

درباره آیین خلعت بخشی و خلعت پوشی در دوره‌های مختلف تاریخ ایران، پژوهش‌هایی صورت گرفته است که برخی از آن‌ها به‌صورت گذرا به مراسم و آیین خلعت بخشی در عصر قاجار اشاره داشته‌اند؛ مافی تبار (۱۴۰۱) به بررسی ارزش منسوجات عصر قاجار و برخی از خلعت‌های این دوره اشاره کرده و به‌صورت گذرا به خلعت بخشی شاه به زبردستان پرداخته است، اما به انواع خلعت، آیین خلعت بخشی، کارکردهای اقتصادی و پیامدها و علل آن اشاره نکرده است. رودگی (۱۳۹۳) و سبزی‌پور (۱۳۸۵) آیین خلعت بخشی و خلعت پوشی را به‌صورت خیلی مختصر و گذار در تاریخ ایران شرح داده‌اند. الهی و سامانیان (۱۴۰۰) به تحلیل جامعه‌شناختی و اجتماعی خلعت بخشی در عصر خلفای فاطمی پرداخته‌اند. مرزبان و قاری (۱۳۹۷) شیوه‌های توصیف خلعت بخشی در تاریخ بیهقی و شاهنامه فردوسی را مورد واکاوی قرار داده‌اند؛ بنابراین هیچ‌یک از پژوهش‌های فوق، آیین خلعت بخشی و خلعت پوشی، کارکردهای اقتصادی و پیامدهای آن را در دوره قاجار به‌صورت مستقل مورد بررسی قرار نداده‌اند. از این رو پژوهش حاضر با پرداختن به خلعت و انواع آن، آیین خلعت بخشی و خلعت پوشی و جایگاه اقتصادی آن در عصر قاجار دارای نوآوری است.

۲- خلعت و انواع آن در عصر قاجار

خلعت به چیزی گفته می‌شود که از سوی مقامات بالادستی به مقامات پایین‌دستی اعطاء می‌شود (دهخدا، ذیل مدخل خلعت). در عصر صفوی سیاحان خارجی خلعت را نوعی تن‌پوش می‌دانستند که از شخصی در جایگاه بالاتر به افرادی در مرتبه‌ی پایین‌تر اعطاء می‌شد (تاورنیه، ۱۳۹۹: ۱۳۶، ۲۸۷، ۲۸۸؛ شاردن، ۱۳۷۴: ج ۲: ۶۷۲ ج ۳: ۱۱۷۴-۱۱۷۵، ۱۲۱۰).

در عصر قاجار نیز انواع هدایا وجود داشت؛ هنری بروگش در رابطه با انواع تقدیمی‌های عصر قاجار و تفکیک آن‌ها از یکدیگر گزارش دقیقی دارد: « وقتی واژه‌ی هدیه به گوشمان می‌خورد بی‌درنگ درمی‌یابیم که منظور هدیه‌ای است که یک فرمانروا به فرمانروای دیگر داده است. تعارف هدیه‌ای است که افراد معمولی به یکدیگر می‌دهند، انعام را یک فرد عالی‌مقام به زبردستانش

می‌دهد بالعکس پیشکش را افراد زبردست به افراد بالادست می‌دهند. این شخص اخیر می‌تواند شاه هم باشد. برای هدیه‌ای که پس از بازگشت از مسافرت داده می‌شود یا هدیه‌ای که صرفاً به علت نادر بودنش ارزش دارد و یا برای سایر انواع هدایا واژه‌های خاصی وجود دارد» (بروگش، ۱۳۷۴: ۱۷۲-۱۷۱). در ادامه‌ی گزارش او بیان می‌کند که خلعت به چیزی گفته می‌شود که از سوی اولیاء امور بالادستی به مقامات پایین‌دستی اعطاء می‌شد (بروگش، ۱۳۷۴: ۱۷۲).

خلعت‌هایی که از سوی پادشاه به زبردستانش اعطاء می‌شد انواع مختلفی داشت؛ علت این امر را می‌بایست در نوع نگاه شاهان قاجار به عملکرد کارگزاران (موریه، ۱۳۸۵، ج ۱: ۲۴؛ پولاک، ۱۳۶۸: ۲۵۳) و مقام و موقعیت آن‌ها دانست (تانکوانی، ۱۳۸۳: ۲۴۷؛ دروویل، ۱۳۶۵: ۱۳۶؛ شین‌جو، ۱۳۹۳: ۱۰۳). در این دوره شاهان قاجار در آغاز سال نو، برای افرادی که خدمات آن‌ها مورد رضایتشان بود لباس افتخار یا خلعت می‌فرستادند (دروویل، ۱۳۶۵: ۱۳۶)؛ بنابراین بخشش‌های شاه به اتباعش گذشته از عناوین، القاب، نشان و حمایل مخصوص، عبارت بود از خلعت یا تن‌پوش‌های گران‌بهای که به آن‌ها اعطاء می‌شد. در عصر قاجار خلعت معمولی قبا، کمر بند و گوش پیچ را شامل می‌شد که در صورت نیاز برای متمایز کردن آن یک شمشیر یا یک خنجر بر آن می‌افزودند و گاهی جامه‌ی خز مانند کتابی یا کردی می‌دادند؛ اما خلعت کامل شامل یک اسب با زین و برگ زرین، زنجیر زرین، یک شمشیر زرین و جامه‌ای با همه‌ی بخش‌ها بود (موریه، ۱۳۸۵، ج ۱: ۱۲۸). در این دوره گاهی شاه برای اشخاص مورد مرحمت تن‌پوش‌هایی از شال گران‌قیمت کشمیر، کرمان یا مشهد، جبهه‌ای شبیه به پالتو با شمشه‌ی مرصع، نیم‌تنه‌ی پوستینی با آستین‌های کوتاه و یا نوع دیگری از لباس بنام کلیجه و قبا می‌فرستاد (بروگش، ۱۳۷۴: ۱۷۲). در مواقعی خلعت‌های ارسالی شامل قبای زربفت یا نقره‌بافت (دروویل، ۱۳۶۵: ۱۳۶)، یکدست لباس رسمی، قطعه‌ای جواهر یا سکه، یک نوع لباس پالتو مانند بنام لباده، یک قبضه اسلحه‌ی جواهرنشان و غیره بود (ویلز، ۱۳۶۸: ۲۹۳). از طرفی اگر خلعت ارسالی به مناسبت ولیعهدی ارسال می‌شد یکدست خلعت کامل، خنجر مرصع (فیودورکوف ۱۳۷۲: ۲۵۱) و مدال الماس‌نشان شیر و خورشید را شامل می‌شد (وامبری، ۱۳۷۲: ۶۵) اما اگر خلعت ارسالی شاه برای کارگزارانش، تن‌پوشی بود که قبلاً مورد استفاده‌ی او قرار گرفته بود، برای گیرنده‌ی آن افتخاری مضاعف داشت (سرنا، ۱۳۶۲: ۲۶۷؛ بروگش، ۱۳۷۴: ۱۷۲). از طرفی علاوه بر خلعت‌های معمولی به‌ندرت ملزوماتی همچون قداره و شمشیرهای مرصع به گیرنده تقدیم می‌شد (بروگش، ۱۳۷۴: ۱۷۲). هم‌چنین در این دوره خلعت‌های متفاوت به همراه ملزومات و متعلقات دیگر به اشخاص مورد مرحمت شاه اعطاء می‌شد که در مواردی خاص نیز خلعت‌هایی به همراهان حکام یا شاهزادگان خلعت‌گیرنده اعطاء می‌شد (ویلز، ۱۳۶۸: ۲۹۶). (به جدول شماره ۱ رجوع کنید).

امور مربوط به خلعت تشکیلات ویژه‌ای داشت؛ در این دوره وظیفه‌ی صندوقخانه تهیه‌ی خلعت و نشان بود و ریاست آن‌ها بر عهده‌ی صندوق‌دار باشی بود (موریه، ۱۳۸۵، ج ۱: ۲۴۳؛ دروویل، ۱۳۶۵: ۱۹۸؛ مستوفی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۴۰۸). رئیس صندوقخانه به‌اندازه‌ی نیاز، خیاط و زرگر به خدمت می‌گرفت. سپس شال و برگ، خز و سنجاب‌دوزی، قلمکار، قدک و پارچه‌های نابریده‌ای که به شاه هدیه و پیشکش می‌شد را در صندوق‌خانه ضبط می‌کرد که در نهایت به مصرف لباس شخصی شاه و خلعت‌های اعطایی او می‌رسید (مستوفی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۴۰۸؛ فریزر، ۱۳۶۴: ۱۹۰). از طرفی لباس شاه و جواهراتی که بر سر و خود می‌زد، جملگی تحویل صندوق‌دار باشی بود. گاهی که شاه تن‌پوش‌های خود را به کسی خلعت می‌داد می‌بایست آن را مسئول مربوطه ضبط می‌کرد و در

مواقع بازدید، لباس‌های دوخته‌ی شاه، جمع و خرج پارچه‌های سالم و بریده‌شده را بدون کم‌وکاست به‌صورت ثبت‌شده تقدیم می‌کرد (مستوفی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۴۰۹).

خلعت‌بخشی بار مالی زیادی برای دربار تحمیل نمی‌کرد؛ چون بخش زیادی از خلعت‌ها (شامل انواع پارچه‌ها و متعلقاتی که همراهشان ارسال می‌شد) توسط صاحب‌منصبان داخلی در قالب پیشکش تأمین می‌شدند (پولاک، ۱۳۶۸: ۲۵۳) (رجوع شود به جدول شماره ۲). در این دوره معمولاً پیشکش‌هایی که در عید نوروز به پادشاه تقدیم می‌شد شامل اسب‌های اصیل، سلاح‌های زیبا، پارچه‌های زربفت، انواع پارچه‌های گران‌بها، شال کشمیر، پوست‌های اعلا، قند، قهوه، چای، شربت و مربا بود (دروویل، ۱۳۶۵: ۱۳۵) و به بیان موریه: «همانا گاه خلعت از راه ارمن‌های (پیشکش‌های) ویژه که از شهرستان‌های ویژه (یزد، شیراز، اصفهان) و امین‌الدوله فرستاده می‌شد [...] تأمین می‌شد» (موریه، ۱۳۸۵، ج ۱: ۲۴۰). همچنین هدایای تقدیمی سفرای اروپایی نیز بخشی از هزینه‌های خلعت‌بخشی را کاهش می‌داد (رجوع شود به جدول شماره ۳).

جدول شماره یک

تقدیم انواع خلعت در عصر قاجار				
منبع	نوع خلعت	خلعت گیرنده	خلعت دهنده	ردیف
بنتان، ۱۳۹۰: ۱۰۴-۱۰۳	خلعت شال کشمیری	عباس میرزا	فتحعلی شاه	۱
	اسب			
	زین و برگ			
	پول زیاد			
منبع	نوع خلعت	خلعت گیرنده	خلعت دهنده	ردیف
ویلز، ۱۳۶۸: ۲۹۶	خلعت عبارت بود از کتی از شال کشمیر به ارزش حدود ۲۰۰ تومان که یقه و سرآستین آن از پوست خز بود که یک رشته مروارید ریز را به طریق مخصوص از تکمه‌ی جیب کوچک بالای سینه آویخته تکمه‌ی ابتدایی کت نیز عبارت از یک قطعه الماس درشت بود	مسعود میرزا ظل السلطان	ناصرالدین شاه قاجار	۲
منبع	نوع پیشکش	پیشکش دهنده	پیشکش گیرنده	ردیف

۳	ناصرالدین شاه قاجار	ویلز همراه مسعود میرزا ظل السلطان	نشانی نقره‌ای مرصع به شیر و خورشید طلایی	ویلز، ۱۳۶۸: ۲۹۶
ردیف	خلعت دهنده	خلعت گیرنده	نوع خلعت	منبع
۴	ناصرالدین شاه قاجار	حکیم‌باشی مسعود میرزا ظل السلطان	نشانی نقره‌ای مرصع به شیر و خورشید طلایی	ویلز، ۱۳۶۸: ۲۹۶
ردیف	خلعت دهنده	خلعت گیرنده	نوع خلعت	منبع
۵	ناصرالدین شاه قاجار	قوام‌الدوله حاکم شیراز	خلعت او گرز یا تعلیمی نقره‌ای مرصع و جواهر نشان به طول تقریبی یک متر و بیست سانتی‌متر بود	ویلز، ۱۳۶۸: ۲۹۶
ردیف	خلعت دهنده	خلعت گیرنده	نوع خلعت	منبع
۶	ناصرالدین شاه قاجار	مظفرالدین ولیعهد میرزای	خلعت و نشان الماس شیر و خورشید	وامبری، ۱۳۷۲: ۶۵

جدول شماره ۲

ردیف	پیشکش گیرنده	پیشکش دهنده	نوع پیشکش	منبع
۱	فتحعلی شاه قاجار	شاهزاده محمدولی میرزا حاکم خراسان	۵۰ رأس اسب عالی	تانکوانی، ۱۳۸۳: ۲۵۱.
			۵۰ قاطر	
			۵۰ شتر	
			چند قطعه شال کشمیری	
			چند کیسه فیروزه و چیزهای دیگر	
ردیف	پیشکش گیرنده	پیشکش دهنده	نوع پیشکش	منبع
۲	فتحعلی شاه قاجار	شاهزاده محمدعلی خان (محمدعلی میرزا دولتشاه) حاکم کرمانشاهان	چند قطعه شال کشمیری	تانکوانی، ۱۳۸۳: ۲۵۲.
			نیزه	
			تفنگ	
			تپانچه	
			تعداد زیادی شتر و قاطر با بارهای قالی و نمد	
ردیف	پیشکش گیرنده	پیشکش دهنده	نوع پیشکش	منبع
۳	فتحعلی شاه قاجار	شاهزاده محمدقلی میرزا حاکم مازندران	چند قطعه شال کشمیری	تانکوانی، ۱۳۸۳: ۲۵۲.
			پارچه‌های زردوزی و نقره‌دوزی شده و ابریشمی	
			قاشق‌های چوبی و ظریف	
			کنده کاری شده	
			سلاح	
			شتر	
			قاطر	
ردیف	پیشکش گیرنده	پیشکش دهنده	نوع پیشکش	منبع
۴	فتحعلی شاه قاجار	حسین‌علی میرزا فرمانفرما حاکم فارس	قند	تانکوانی، ۱۳۸۳: ۲۵۲.
			شربت	
			چندین رأس قاطر و شتر با بارهای مملو از قهوه، توتون، تنباکو	
ردیف	پیشکش گیرنده	پیشکش دهنده	نوع پیشکش	منبع

۵	فتحعلی شاه قاجار	حاکم یزد	شال و پارچه‌های ابریشمین بافت یزد	موریه، ۱۳۸۵: ۲/ ۲۴۲.
ردیف	پیشکش گیرنده	پیشکش دهنده	نوع پیشکش	منبع
۶	ناصرالدین شاه	امین‌السلطان	یک عدد اسب و باز شکاری	فوریه، ۱۳۸۵: ۲۲۲.
			مقداری شال و قالی	
			میز و صندلی اعلا و اسباب دیگر	

جدول شماره ۳

ردیف	هدیه گیرنده	هدیه دهنده	نوع هدایا	منبع
۱	فتحعلی شاه قاجار	دربار انگلیس (توسط ملکم خان ۱۸۰۰)	هدایای ملکم به فتحعلی شاه در سال ۱۸۰۰: آینه‌های قدی	ملکم، ۱۳۶۳: ۷۰.
			ساعت‌های کوچک	
			ساعت‌های دیواری بسیار زیبا که با مرواریدهای درخشان روی آن‌ها کار شده بود	
			تفنگ‌های یک‌لول و دولول	
			تپانچه	
			سرویس کارد و چنگال	
			شال	
			پارچه	
			قطعه‌ای الماس به ارزش ۱۰۰ هزار روپیه	
			اشیای دیگر که در هندوستان و اروپا تولید می‌شدند	
ردیف	هدیه گیرنده	هدیه دهنده	نوع هدایا	منبع
۲	فتحعلی شاه قاجار	هدایای امپراتور روسیه	به فتحعلی شاه: یک قاب بلور تراش، آینه‌ای بزرگ	بوئه، ۱۳۶۵: ۲۴۸
			یکدست چینی گران بها	
			یک جفت گلدان چینی قشنگ	

مقدار زیادی پارچه‌های زربفت و نقره‌دوزی و پارچه‌های دیگر				
سه جقه‌ی الماس				
دو طاقه پوست سمور سیبری و مقداری پوست‌های کم‌ارزش‌تر				
مقدار زیادی انگشتر و النگو و ساعت				
دو دوربین آلمانی مرصع				
تریاک‌دان مرصع				
سه کارد با دسته‌ی الماس برلیان				
یک قلیان مطلا				
دو آینه‌ی متصل‌به‌هم				
عده‌ای تفنگ و تپانچه و قداره				
ساعتی به شکل فیل				
یک دستگاه اسباب زینت و آرایش زنانه				
منبع	نوع هدایا	هدیه دهنده	هدیه گیرنده	ردیف
دوسرسی، ۱۳۶۳: ۱۸۶؛ فلاندن، ۲۵۳۶: ۱۴۰.	ظروف چینی، اشیای برنزی، اشیای برنزی	دربار فرانسه (کنت دوسرسی)	محمدشاه قاجار	۳
	ساعت‌های رقاصکدار، سلاح‌های زیبا، یک ساعت، مقدار زیادی پارچه‌های لیون			
۳- آیین خلعت بخشی و خلعت پوشی در عصر قاجار				
<p>مراسم خلعت‌پوشان یکی از رسوم و آیین‌هایی بود که در عصر قاجار با تشریفات و تمهیدات خاصی برگزار می‌شد. هر سال در عید نوروز از طرف شاه خلعت‌هایی برای کارگزاران مورد اعتماد که از دید وی عملکرد رضایت‌بخشی داشتند، ارسال می‌شد که مایه‌ی افتخار آن‌ها بود. ارسال این خلعت‌ها نشانه‌ی اعتماد شاه به رعایا و خدمتگزارانش محسوب می‌شد و مهم‌تر از همه به‌عنوان حکم</p>				

تمدید مسئولیت آن‌ها به حساب می‌آمد (ویلز، ۱۳۶۸: ۲۹۳). در دوره قاجار برپایی این مراسم با تشریفات خاص (سرنه، ۱۳۶۲: ۲۹۶؛ ویلز ۱۳۶۸: ۲۹۳) و نمایشی پر دبدبه (وامبری، ۱۳۷۲: ۶۴) همراه بود. این مراسم تبدیل به یک جشن و گردهمایی عمومی شد که برای عظمت و تقدس بخشیدن به شاه برنامه‌ریزی و اجرا می‌شد؛ به این ترتیب که شخص حامل خلعت شاهی به همراه دو نفر از افراد درباری با کالسکه‌ی سلطنتی خلعت را به مقابل خانه‌ی خلعت‌گیرنده می‌بردند (ویلز، ۱۳۶۸: ۲۹۳). در این دوره اجرای مراسم در مکان خاصی بنام خلعت‌پوشان انجام می‌شد. این مکان‌ها معمولاً به فاصله‌ی چند فرسنگ از شهر ساخته می‌شدند و تقریباً در نزدیکی همه‌ی شهرهای بزرگ و مراکز ایالات وجود داشتند (کرزن، ۱۳۷۳، ج ۱: ۵۸۱؛ بنتان، ۱۳۹۰: ۱۰۳-۱۰۴). مکان خلعت‌پوشان معمولاً از نظر آب‌وهوا و فضای سبز، بهترین ناحیه در اطراف شهر بود (فلاندن، ۲۵۳۶: ۳۲۷؛ دوسرسی، ۱۳۶۲: ۱۲۱). فیودور کوف در مورد خلعت‌پوشان تبریز می‌نویسد: «سرپرده‌ی خلعت‌پوشان فوق‌العاده زیباست. این سرپرده وسط استخری بزرگ و پر از آب زلال که اطرافش را درختان پربرگ بلندی احاطه کرده است، قرار دارد» (فیودور کوف، ۱۳۷۲: ۱۳۰).

حاملان خلعت قبل از رسیدن به مکان خلعت‌پوشان شخص مورد مرحمت شاه را مطلع می‌کردند (دروویل، ۱۳۶۵: ۱۳۷). سپس گیرنده‌ی خلعت به محض اطلاع از حضور آن‌ها، به استقبال خلعت مبارک شاه می‌شتافت (دروویل، ۱۳۶۵: ۱۳۷؛ ویلز، ۱۳۶۸: ۲۹۳؛ فیودور کوف، ۱۳۷۲: ۱۳۰-۱۲۹؛ موریه، ۱۳۸۵، ج ۲: ۱۲۸) و گاه به منظور احترام بیشتر به خلعت شاه و حاملان آن، چندین نفر از نزدیکان خود را تا چند منزل جلوتر با خود همراه می‌کردند (ویلز، ۱۳۶۸: ۲۹۳؛ پولاک، ۱۳۶۸: ۲۵۴؛ موریه، ۱۳۸۵، ج ۲: ۱۲۹). در این دوره برای برگزاری باشکوه مراسم، انتظامات خاصی را تدارک می‌دیدند. از این رو صف طویلی از سربازان سواره نیزه به دست در دو طرف خیابان به صورت ستونی نظم را برقرار می‌کردند. اگر مردم از محدوده‌ی خود تجاوز می‌کردند با ضربات چماق داران و ترکه‌های بلند فراشان شاه مواجه می‌شدند (ویلز، ۱۳۶۸: ۲۹۵). در نهایت پس از مواجه شدن حاملان خلعت و خلعت‌گیرنده، مراسم با شلیک توپ آغاز می‌شد (ویلز، ۱۳۶۸: ۲۹۵؛ موریه، ۱۳۸۵، ج ۲: ۱۲۹). متعاقب آن حاملان خلعت درحالی که بقچه‌ی ترمه‌ای حامل خلعت را روی دست داشتند به سرعت خود را به گیرنده‌ی خلعت می‌رساندند و نامه‌ی ابلاغ شاهی را به او تحویل می‌دادند (موریه ۱۳۸۵، ج ۲: ۱۲۹؛ دروویل، ۱۳۶۵: ۱۳۷؛ پولاک، ۱۳۶۸: ۲۵۴). سپس با قرائت و ابلاغ اعلام رضایت شاه از خدمات شخص مزبور شلیک توپ‌ها آغاز می‌شد و شخص گیرنده‌ی خلعت با خضوع و خشوعی که گویی در مقابل شخص شاه ایستاده است (دروویل، ۱۳۶۵: ۱۳۷؛ پولاک، ۱۳۶۸: ۲۵۴) خلعت را دودستی همراه با تعظیم تحویل می‌گرفت و در خلوت آن را می‌پوشید (بنتان، ۱۳۹۰: ۱۰۴؛ دروویل، ۱۳۶۵: ۱۳۷).

۴- کارکردهای اقتصادی خلعت‌بخشی برای دربار

۴-۱- درآمدزایی برای دربار

خلعت‌بخشی شاه به زیردستان در عید نوروز یکی از رسوم کهن در تاریخ ایران بود که دامنه‌ی آن به دوره‌ی قاجار نیز کشیده شد. از طرفی تقدیم پیشکش به دربار در عید نوروز پیوند و ارتباط خاصی بین این دو تقدیمی برقرار می‌کرد؛ پادشاه در عید نوروز برای خدمتگزاران صدیق خود که خدمات آن‌ها مورد توجه قرار گرفته بود، لباس افتخار (خلعت) ارسال می‌کرد که بر اساس اهمیت شخص گیرنده خلعت برای شاه، خلعت‌های ارسالی ارزش بیشتر یا کمتری داشتند (دروویل، ۱۳۶۵: ۱۳۶؛ شین‌جوه، ۱۳۹۳: ۱۰۳)؛ اما به طور اخص در مورد حکام ایالات و ولایات، دریافت خلعت شاهانه به معنای انتصاب و تأیید مقام آن‌ها بود و عدم دریافت خلعت با برکناری آن‌ها از منصب مصادف می‌شد (کرزن، ۱۳۷۳: ۵۸۱/۱؛ پولاک، ۱۳۶۸: ۲۵۴).

بنا بر رسم معمول، حکام در عید نوروز با دریافت خلعت در منصب خود ابقاء می‌شدند و یا پس از برکناری، جانشینی برای آن‌ها منصوب می‌شد (پولاک، ۱۳۶۸: ۲۵۴). به همین دلیل حکامی که یک سال در محل حکومت خود مانده بودند، برای تمدید آن، دربار می‌بایست در آغاز سال جدید خلعتی به نشانه‌ی ابقای آن‌ها ارسال می‌کرد (مستوفی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۴۰۸). بنابراین دریافت‌کننده‌ی سعادت‌مند خلعت تنها از این طریق متوجه می‌شد که یک سال دیگر در مقام خود باقی می‌ماند (کرزن، ۱۳۷۳، ج ۱: ۵۸۱).

سیستم فاسد اداری حکومت قاجار سبب شده بود که مأموران بلندپایه مانند حاکم یا والی منتظر عنایت شاه برای خلعت نمانند، آن‌ها به خوبی آگاه بودند که مقبولیت، تجربه و هم‌چنین عقبه‌ی کاری، ملاک مهم برای ادامه‌ی مأموریت و دریافت خلعت نیست، بلکه معیار اصلی، تقدیم پیشکش‌های هنگفت‌تر نسبت به رقبا است (شین‌جوه، ۱۳۹۳: ۱۰۱). آن‌ها مکاتبات زیادی با دربار برای دریافت خلعت انجام می‌دادند (ساکما، ۱۲۸۹: ۲۹۵/۲۵۷۲؛ ساکما، ۱۲۹۹: ۲۹۶/۸۶۷۰؛ ساکما، بی‌تا: ۲۹۶/۱۱۶۳۶). از این جهت حکامی که در ایالات و ولایات مختلف بودند برای ابقاء در منصب و گرفتن خلعت حکومت از شاه با تقدیم پیشکش‌های درخور با یکدیگر رقابت می‌کردند. هرچند که حکام و صاحب‌منصبان به‌صورت سنتی در عید نوروز پیشکش‌هایی به شاه تقدیم می‌کردند (تانکوانی، ۱۳۸۳: ۲۵۲-۲۵۱؛ دروویل، ۱۳۶۵: ۱۳۵) اما تلاش برای دریافت خلعت حکومت (یا ابقا در منصب) سهم زیادی در افزایش پیشکش‌های تقدیمی به شاه داشت (شین‌جوه، ۱۳۹۳: ۱۰۱؛ اولیویه، ۱۳۷۳: ۱۵۴). به‌طوری‌که حکام در صورت تقدیم پیشکش‌های کم‌ارزش مقام خود را از دست می‌دادند و برعکس با تقدیم پیشکش‌های مضاعف مقرب‌تر می‌شدند (کرزن، ۱۳۷۳، ج ۱: ۵۸۰). هم‌چنین حکام در قبال خلعت‌های فوق‌العاده می‌بایست مبلغ زیادی پیشکش می‌دادند تا از این طریق تداوم مرحمت ملوکانه را تأمین کرده باشند (کرزن، ۱۳۷۳، ج ۱: ۵۸۱). بنا بر گزارش شین‌جوه وضع حکام مصداق این مثل ژاپنی است: «دستوری که می‌دهند تا غروب باقی نمی‌ماند» چراکه ممکن بود حاکم جدید با بداقبالی مواجه شود و پس از مدت کوتاهی مقام خود را به شخص دیگری که پیشکش گزاف‌تری تقدیم می‌کرد، ببازد (شین‌جوه، ۱۳۹۳: ۱۰۲) از این‌رو حکام برای تضمین مقام خود همواره ناچار بودند پیشکش‌های تقدیمی را افزایش دهند و مراقب رقبا و فعالیت‌های آن‌ها باشند (شین‌جوه، ۱۳۹۳: ۱۰۳). در این محیط، یکی از راه‌های نیل به مقصود، پیشکش‌های ارزشمند به شاه بود (پولاک، ۱۳۶۸: ۲۵۴). معمولاً گیرنده‌ی خلعت در مقابل مرحمت ملوکانه پیشکش‌هایی با ارزش‌تر و معادل چند برابر بهای خلعتی که از شاه می‌گرفت به او تقدیم می‌کرد (سرن، ۱۳۶۲: ۲۶۷؛ شیل، ۱۳۶۸: ۹۵؛ ادواردیت، ۱۳۶۵: ۳۹۰). به‌عنوان نمونه، حاجی محمدحسین خان حاکم اصفهان ملقب به امین‌الدوله در زمان جلوس فتحعلی شاه بر تخت سلطنت، با تقدیم پیشکش‌هایی درخور، موقعیت خود را مستحکم کرد و موافقت شاه را برای ابقاء در حکومت اصفهان با دریافت خلعت جلب نمود. او هرساله با تقدیم پیشکش‌هایی گران‌بهرتر شامل کالاهای مرغوب ایرانی و هندی و مبالغ گزاف پول، دوستی و توجه شاه را جلب می‌کرد (بتان، ۱۳۹۰: ۸۱-۸۰).

در سلسله‌مراتب اجتماعی ایران عصر قاجار، تقریباً هیچ کاری بدون پیشکش صورت نمی‌گرفت و چون تقدیم‌کننده‌ها عموماً طالب مقام و یا حفظ آن بودند، اهمیت و ارزش پیشکش و دفعات تقدیم آن افزایش می‌یافت و به‌یک‌بار در سال منحصر نمی‌شد: «هیچ‌وقت دیده نشده که کسی عرض حالی تقدیم شاه کند مگر آن‌که با آن یک کیسه‌ی کوچک ابریشمی یا ترمه‌ای پر یا نیم از پول همراه باشد» (فوریه، ۱۳۸۵: ۲۱۸). او در جای دگر می‌نویسد: «همین اواخر امین‌السلطان ۶ کیسه پر تقدیم کرد و ۴ روز قبل سرتیپ عباسقلی خان شاگرد سابق مدرسه‌ی مهندسی نظام پاریس که حالیه آجودان وزیر جنگ است از همین قبیل کیسه‌ها با

عریضه‌ای سربهمهر شده پیش شاه گذاشت و امروز صبح هم مشیرالدوله کیسه‌ی بزرگی که تابه‌حال من به آن بزرگی ندیده بودم به حضور ملوکانه آورد» (فوریه، ۱۳۸۵: ۲۱۸).

اگرچه شاهان قاجار برای خلعت‌بخشی هزینه‌های زیادی صرف می‌کردند؛ اما چند برابر هزینه‌های صرف شده را در قالب پیشکش وصول می‌کردند (موریه، ۱۳۸۵، ج ۲: ۲۶۸؛ بنتان، ۱۳۹۰: ۸۱-۸۰؛ شیل، ۱۳۶۸: ۹۵). این امر یکی از کانال‌های درآمدزایی و پر شدن خزانه‌ی شاه محسوب می‌شد (کرزن، ۱۳۷۳، ج ۱: ۵۸۱). ناگفته نماند پادشاهان قاجار به‌ندرت پیشکش‌های تقدیمی را رد می‌کردند چراکه قبل از رونمایی از آن‌ها در مقابل شاه، توسط پیشکش نووی (بازرس هدایا) بررسی می‌شدند و پس از تعیین عبار، آن‌ها را به حضور شاه می‌بردند (دروویل، ۱۳۶۵: ۱۳۶؛ بروگش ۱۳۷۴: ۱۷۵).

به نظر می‌رسد پیشکش‌های تقدیمی در ابتدای این دوره به‌ویژه در عصر فتحعلی شاه به‌مراتب بیشتر از پیشکش‌های تقدیم شده در زمان جانشینانش بوده است؛ چنانکه دروویل ارزش پیشکش‌های دریافتی او را در عید نوروز ۲ میلیون فرانک تخمین می‌زند (دروویل، ۱۳۶۵: ۱۳۵). حرص و طمع فتحعلی شاه (تانکوانی، ۱۳۸۳: ۱۹۸) و زدبندهای عوام‌فریبانه با برخی از صاحب‌منصبان با ارسال خلعت (جونز، ۱۳۸۶: ۲۴۹-۲۵۰) در گرفتن پیشکش‌های چشمگیر از حکام سهم زیادی داشت. همچنین او با گماشتن فرزندان خود به حکومت ایالات و ولایات و اعطای خلعت حکومت به آن‌ها سالانه پیشکش‌های چشمگیری دریافت می‌کرد (تانکوانی، ۱۳۸۳: ۱۹۸). این در حالی است که سیاحان عصر ناصرلی اذعان دارند که ناصرالدین‌شاه هیچ‌گاه نتوانست معادل نیمی (دالمانی، ۱۳۷۸، ج ۱: ۳۲) یا ثلثی از پیشکش‌های تقدیمی به فتحعلی شاه را دریافت کند (کرزن، ۱۳۷۳، ج ۱: ۵۸۰). به نظر می‌رسد پیشکش‌های دریافتی دربار ناصرالدین‌شاه از ۶۰۰ یا ۷۰۰ هزار تومان تجاوز نمی‌کرد (فوروکاوا، ۱۳۸۴: ۱۰۱). البته او آن قدر پیشکش گرفته بود که پس از دریافت کیسه‌های پول پیشکشی بدون شمارش آن‌ها، از روی ظاهر مقدار هر کدام را تخمین می‌زد (فوریه، ۱۳۸۵: ۲۱۸).

۲-۴- هزینه خلعت برای دربار

در عصر قاجار خلعت‌بخشی شاه به زیردستان علاوه بر درآمدزایی در قالب پیشکش، هزینه‌های زیادی به همراه داشت. هزینه‌های مربوط به خلعت‌بخشی شاه را می‌توان در دو حوزه تقسیم کرد:

۱-۲-۴- حوزه داخلی

در حوزه‌ی داخلی خلعت بخشی پادشاهان قاجار به خادمان خود در عید نوروز (دروویل، ۱۳۶۵، ۱۳۶؛ ویلز ۱۳۶۸، ۲۹۳) هزینه‌های سنگینی به خزانه دربار تحمیل می‌کرد (شیل، ۱۳۶۸: ۹۵؛ گروته، ۱۳۶۹: ۲۲۷؛ موریه، ۱۳۸۵، ج ۱: ۲۴۰). به‌طوری‌که جیمز موریه بهای خلعت‌های اعطایی فتحعلی شاه در عید نوروز را ۹۰۰ و بهای هریک را ۳۰۰ غروش عثمانی که روی هم‌رفته ۲۷۰ هزار غروش عثمانی می‌شد، تخمین می‌زند (موریه، ۱۳۸۵، ج ۱: ۲۴۰). این رویه در دوره‌های بعد نیز تداوم یافت و در عصر ناصرالدین‌شاه، خلعت‌های ارسالی شاه در عید نوروز برای وابستگان حکومت، هزینه‌های گزافی به همراه داشت: «شاه از اطراف‌واکناف پیشکش‌هایی دریافت می‌کند [...] در عوض وی به تمام اهل حرم به‌علاوه خدمه‌ی بی‌حدوخصر خود و همچنین به کلیه‌ی حکام و دولتمردان باید خلعت ببخشد تا حدود ۱۰ سال پیش برحسب همان آیین و رسم کهن تقریباً کلیه‌ی خدمه و هر یک از افسران قشون قطعه شالی به قیمت ۸ تا ۱۰۰ تومان و حکام و صاحب‌منصبان عالی‌رتبه جبه‌های شال دوخته که قیمت آن‌ها حتی به ۴۰۰

تومان می‌رسید و دارای منگوله‌های مروارید و زردوزی بود از شاه دریافت می‌کردند و مباحی و مفتخر می‌شدند. این هدایا (خلعت‌ها) [...] برای خزانه‌ی دولت مخارج سنگین و خردکننده داشت» (پولاک، ۱۳۶۸: ۲۵۳). متعلقاتی که همراه خلعت‌ها در عید نوروز ارسال می‌شد خزانه‌ی دربار را تحت تأثیر قرار می‌داد: «در چنین روزی بسته به موقعیت و مقام افراد از شال کشمیری که نصیب رجال والامقام می‌شود گرفته تا قبا و پیراهن چیت- برای خدم‌وحشم درباری- به آن‌ها تعلق خواهد گرفت و [...] این کار بر شاه مخارج سنگینی دارد» (شیل، ۱۳۶۸: ۹۵). به‌علاوه سازوکار مربوط به محل نگهداری از خلعت‌ها و مسئولینی که چنین وظیفه‌ای را بر عهده داشتند، هزینه‌هایی بر خزانه تحمیل می‌کرد. در این دوره صندوق‌دار باشی مسئول نگهداری از هدایای تقدیم شده به شاه و خلعت‌های تقدیمی او بود که صورت دخل و خرج‌ها را به‌دقت ثبت و ضبط می‌کرد (دروویل، ۱۳۶۵: ۱۹۸؛ مستوفی، ۱۳۸۶: ۱/ ۴۰۸). از این‌رو زمانی که شاه خلعتی برای دیگران ارسال می‌کرد بنا بر رسم معمول دربار، وجه نقد یا هدیه‌ای تحت عنوان خلعت بها یا صندوق‌داری به مسئول مربوطه اعطاء می‌کرد (مستوفی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۴۰۸).

۲-۲-۴- حوزه خارجی

از دیرباز با تشریفات خاصی از سفرایی که از طرف دول خارجی با مقاصد سیاسی و اقتصادی وارد ایران می‌شدند، استقبال می‌شد. یکی از رسوم که هنگام پذیرش سفرا از سوی شاه رعایت می‌شد؛ اعطای خلعت‌هایی شامل خلعت شرفیابی و خلعت مرخصی به آن‌ها بود. این آیین که در عصر صفوی با تشریفات خاصی انجام می‌شد (کارری، ۱۳۸۴: ۱۱۹)، در عصر قاجار نیز به همان ترتیب برگزار می‌گردید و به نوبه خود هزینه‌های دربار را افزایش می‌داد. به این صورت که قبل از شرفیابی سفرا نزد شاه توسط صاحب‌منصبان درباری خلعت‌هایی به آن‌ها اعطاء می‌شد تا به همراه آن به حضور شاه بار یابند (تانکوانی، ۱۳۸۳: ۲۴۸؛ بنتان، ۱۳۹۰: ۸۳؛ بوئه، ۱۳۶۵: ۲۹۶، جونز، ۱۳۸۶: ۹۰-۹۱). (رجوع شود به جدول شماره ۴). در زمان شرفیابی ملکم نزد فتحعلی‌شاه قاجار رئیس تشریفات دربار با صدای بلند اعلام کرد: «سروان ملکم بهادر سفیر از جانب فرماندار کل هند ملبس به خلعتی که رأی مبارک اعلی حضرت بر آن قرار گرفته بود که به وی اعطاء شود شرفیاب می‌شود» (ملکم، ۱۳۷۳: ۷۰). بیشتر مواقع، با پایان مأموریت سفرای خارجی، شاه خلعتی به آن‌ها می‌بخشید که به خلعت مرخصی معروف بود (بوئه، ۱۳۶۵: ۲۹۶؛ فلاندن، ۲۵۳۶: ۱۶۸؛ ژوبر، ۱۳۲۲: ۱۸۷). (رجوع شود به جدول شماره ۵). در مواردی شاهزادگان قاجار به‌ویژه ولیعهد نیز این رسم را به‌جای می‌آوردند (جونز، ۱۳۸۶: ۶۹) (رجوع کنید به جدول شماره ۶)

جدول شماره ۴

ردیف	خلعت دهنده	خلعت گیرنده	نوع خلعت	منبع
	فتحعلی‌شاه قاجار	آگوست بنتان	یک‌قبای زردوزی	بنتان ۱۳۹۰: ۸۳

	یک‌قبای زری و بالاپوشی از همان پارچه			۱	
	یک شال زری				
	یک کمر بند و شال بند				
	خنجری که غلاف آن مطلا و میناکاری شده				
	یک کیسه پول معادل ۴ هزار فرانک				
	جدول شماره ۵				
	منبع	نوع خلعت	خلعت گیرنده	خلعت دهنده	ردیف
	ژوبر، ۱۳۲۲: ۱۸۷	یک نیم‌تنه‌ی دیبای زربفت و یک جبه‌ای از همان پارچه	ژوبر سفیر فرانسه	فتحعلی‌شاه‌قاجار	۱
		یک کمر بند			
		یک کلاه‌پوست بره‌ی هشرخان			
		یک کارد			
		یک رأس اسب مزین به زیر و برگ گران‌بها			
	منبع	نوع خلعت	خلعت گیرنده	خلعت دهنده	ردیف
	فلاندن، ۲۵۳۶: ۱۶۸-۱۶۷.	یک تصویر از محمدشاه که دورش را دانه‌های الماس احاطه می‌کرد	اوژن فلاندن سفیر فرانسه	محمدشاه‌قاجار	۲
		دو شال اعلاء			
		گردنبندی مروارید شال‌ها و تزئین‌آلاتی به همراهانش نیز داد			

جدول شماره ۶

ردیف	خلعت‌دهنده	خلعت‌گیرنده	نوع خلعت	منبع
۱	عباس میرزا نایب‌السلطنه	بنتان سفیر فرانسه	یک شال کشمیر	بنتان، ۱۳۹۰: ۷۱.
			یک کمر بند زریفت کار اصفهان	
			یک زین و لگام زرکوب	
			یک شمشیر با تیغه‌ای از فولاد هند	
ردیف	خلعت‌دهنده	خلعت‌گیرنده	نوع خلعت	منبع
۲	عباس میرزا نایب‌السلطنه	ژوبر سفیر فرانسه	یک رأس اسب	ژوبر، ۱۳۲۲: ۱۰۴.
			اقمشه‌ی مختلفه	
			شال‌های گران بها	
			کارد مرصع	
ردیف	خلعت‌دهنده	خلعت‌گیرنده	نوع خلعت	منبع
۳	عباس میرزا نایب‌السلطنه	تانکوانی	یک طاقه شال کشمیر زیبا	تانکوانی، ۱۳۸۳: ۲۹۴

۵- پیامدهای خلعت‌بخشی و خلعت‌پوشی در عصر قاجار

۱-۵- پیامدهای مخرب خلعت‌بخشی

آیین خلعت‌بخشی علی‌رغم منافع مالی و معنوی حاصل از آن (برای خلعت‌دهنده و خلعت‌گیرنده)، پیامدهای مخربی به دنبال داشت؛ حکام و صاحب‌منصبان برای دریافت خلعت ابقاء در منصب، سالانه پیشکش‌های هنگفت و مالیات‌های اضافی به دربار تقدیم می‌کردند (بروگش، ۱۳۷۴: ۷۴؛ فریزر، ۱۳۶۴: ۲۱). آن‌ها همچنین برای دریافت خلعت علاوه بر تقدیم پیشکش به شاه، به صاحب‌منصبان منتفذ به‌ویژه صدراعظم نیز رشوه‌هایی تحت عنوان پیشکش ارسال می‌کردند تا حامی وی در پیشگاه شاه و رقبا باشند (پولاک، ۱۳۶۸: ۲۵۴). یکی دیگر از راه‌های جلب رضایت شاه، دادن انعام‌های رضایت‌بخش به حاملان خلعت بود، تا آن‌ها پس از بازگشت نزد شاه از عدل و داد و فضایل دریافت‌کننده خلعت یاد کنند و به پادشاه یادآور شوند که مردم آن ولایت غرق سعادت و رفاه هستند (پولاک، ۱۳۶۸: ۲۵۴). نتیجه روابط ناسالم و فاسد این بود که حکام برای اعمال فشار بر رعایا و ثروت‌اندوزی آزادی عمل بیشتری داشته باشند (ماسهارو، ۱۳۷۳: ۲۱۶-۲۱۵؛ فوروکاوا، ۱۳۸۴: ۸۴؛ بتتان، ۱۳۹۰: ۸۱-۸۰). آن‌ها با جلب نظر شاه و اطرافیانش مناطق آباد را به فقر و فلاکت می‌کشاندند و بر ثروت خود می‌افزودند و آن‌ها را هم منتفع می‌نمودند (شین‌جو، ۱۳۹۳: ۱۰۳؛ اورسل، ۱۳۹۳: ۳۱۸-۳۱۷). ماهیت واقعی خلعت‌بخشی با این روش؛ خریدوفروش حکومت ایالات و ولایات با دادن رشوه و پیشکش بود (دیولافوا، ۱۳۷۶: ۱۸۲). در این شرایط حکام جایگاه ثابتی نداشتند و ممکن بود در مقابل شخص دیگری که پیشکش بیشتری (برای دریافت خلعت حکومت) می‌داد، مقام خود را از دست بدهند (دیولافوا، ۱۳۷۶: ۱۸۲؛ شین‌جو، ۱۳۹۳: ۱۰۲-۱۰۱). از این رو حاکم پس از دریافت خلعت شاهی، به محض رسیدن به منطقه حکمرانی‌اش برای تأمین پول و تأدیه قروضش (که حاصل پرداخت پیشکش بود) از طرق گوناگون و غالباً نامشروع به ثروت‌اندوزی می‌پرداخت. در واقع مهم‌ترین کار حکمران این بود که با بهره‌گیری از تمام امکانات و روش‌های ممکن، رعایا را تحت فشار قرار دهد و چندین برابر مالیات‌های معمول از آن‌ها اخذی کند (بروگش، ۱۳۷۴: ۷۴؛ شین‌جو، ۱۳۹۳: ۱۰۲-۱۰۱) این وضعیت زمانی به اوج خود می‌رسید که یکی از شاهزادگان خردسال به حکومت منطقه‌ای منصوب می‌شد، در این شرایط وزیرش که از قدرت نامحدودی برخوردار بود به نفع شخصی خود سوءاستفاده می‌کرد (بروگش، ۱۳۷۴: ۷۴). در نتیجه‌ی این اقدامات کشاورزان و رعایایی که توان پرداخت مالیات‌های چند برابری را نداشتند کشت‌وکار خود را رها می‌کردند و آواره می‌شدند (شین‌جو، ۱۳۹۳: ۱۰۲-۱۰۳).

به مزایده گذاشتن حکومت ایالات و ولایات هم برای حکومت و حکام و هم برای رعایا مصیبت‌بار بود. اهمیت دادن به مبلغ پیشکش و رشوه بدون توجه به صلاحیت و شایستگی افراد خواهان حکومت، فساد اداری و حکومتی را بیشتر می‌کرد که در پی آن هرکسی به میزان تمول خود می‌توانست به مقام و منصبی دست یابد. سخت‌گیری‌ها توسط حکام و تحت فشار گذاشتن رعایا برای جمع‌آوری پیشکش سالانه به دربار در منابع داخلی عصر قاجار نیز بازتاب یافته است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۴۵: ۹۰۸؛ سیاح، ۱۳۴۶: ۱۹). دربار برای پر کردن خزانه از خلعت سوءاستفاده می‌کرد و این امر به‌نوبه خود بر فساد، رقابت و سودجویی حکام می‌افزود (اعتمادالسلطنه، ۱۳۴۵: ۹۰۸). پیشکش‌های دریافت شده در قبال فروش و اعطای منصب و حکومت ولایات، سهم‌زیادی از بودجه دربار را به خود اختصاص داده بود (امین‌الدوله، ۱۳۴۱: ۱۹۲). این موضوع به‌خوبی نشان می‌دهد که روابط دوسویه شاه با زیردستانش، فساد اداری-حکومتی را در پی داشت که تبعات آن دامن رعایا را می‌گرفت. گاهی فشار حکام به رعایا، به تمرد آن‌ها می‌انجامید که آن نیز نتیجه‌ای جز سرکوب و کشتار رعایا را به دنبال نداشت (دیولافوا، ۱۳۵۵: ۴۸). رعایا همچنین در اثر فشارهای تحمل‌ناپذیر حکام، بی‌سروسامان می‌شدند و از ترس اخذی حکام، ثروت و دارایی خود را پنهان می‌کردند. به‌طوری‌که از مصرف

آن در امور تجارت و اصلاح و تعمیر مملکت جلوگیری می‌شد که این امر در نهایت مملکت را به ویرانی می‌کشاند (دیولافوا، ۱۳۷۶: ۱۸۲؛ شین‌جوئه، ۱۳۹۳: ۱۰۲-۱۰۳).

۲-۵- شأن و منزلت سیاسی خلعت برای حکام

خلعت‌بخشی شاه علاوه بر کارکردهای مالی از نظر سیاسی و معنوی برای نمایندگان او در ایالات و ولایات مختلف اهمیت ویژه‌ای داشت. به نظر می‌رسد دریافت خلعت شاهی و ابقاء در منصب با توجه به تشریفات خاصی که برای آن در نظر گرفته می‌شد، علاوه بر نمایش قدرت و عظمت شاه، بر شأن و منزلت سیاسی گیرنده‌ی آن نیز می‌افزود. بیگلربیگی‌ها و حکامی که به دریافت خلعت شاهی مفتخر می‌شدند از فرصت به‌دست‌آمده استفاده می‌کردند و آنچه لازمه‌ی تحمل بود به کار می‌گرفتند تا به مردم نشان دهند که مورد لطف و مرحمت ویژه شاه قرار دارند (دروویل، ۱۳۶۵: ۱۳۷؛ موریه، ۱۳۸۵، ج ۲: ۱۲۸). در راستای همین سیاست حکام برای نمایاندن مرحمت شاهی در انظار عموم، تشریفات ویژه‌ای به را می‌انداختند، تا از این طریق به اهداف خود مبنی بر ثروت‌اندوزی و تثبیت قدرتشان جامه‌ی عمل بیوشانند (بتنان، ۱۳۹۰: ۸۱-۸۰). شخص خلعت‌گیرنده در مواقعی بنا بر مصلحت، دریافت خلعت را به بهانه‌ی نحس بودن زمان دریافت آن به تعویق می‌انداخت، تا در شرایط مناسب و با حضور انبوه جمعیت مراسم را برگزار کند (موریه، ۱۳۸۵، ج ۲: ۱۲۸). موریه درباره‌ی این تشریفات می‌نویسد: «دریافت‌کنندگان خلعت تدارک‌های مفصلی تهیه دیده، دوزوکلک‌ها به کار می‌برند تا اعطای خلعت نشانه‌ی بسیاری توجه و التفات شاه به گیرنده باشد» (موریه، ۱۳۸۵، ج ۲: ۱۲۸). چراکه خلعت، معیار بزرگی دریافت‌کننده‌ی آن را در مقابل مردم و دربار مشخص می‌کرد (موریه ۱۳۸۵، ج ۲: ۱۲۸). از این رو حکام پس از دریافت و پوشیدن خلعت شاهی با جلال و شکوه ویژه‌ای آن را در معرض دید همگان قرار می‌دادند (بتنان، ۱۳۹۰: ۱۰۴؛ وامبری، ۱۳۷۲: ۶۵) و پس از آن با شلیک توپ روانه‌ی شهر می‌شدند (دروویل، ۱۳۶۵: ۱۳۷). تمامی اهالی شهر برای استقبال از مرحمت شاهانه به پیشواز شخص خلعت‌پوش می‌رفتند (سرنه، ۱۳۶۲: ۲۶۷؛ کرزن، ۱۳۷۳، ج ۱: ۵۸۰).

سپس با تمهیدات خاصی از خلعت رونمایی می‌شد (بتنان، ۱۳۹۰: ۱۰۴). از سوی دیگر حکام یا شاهزادگان برای باشکوه‌تر کردن مراسم از دسته‌های موزیک و آوازخوان استفاده می‌کردند. به این ترتیب که پیشاپیش جمعیت نقاره‌چی‌ها دسته‌ی ارکستری مرکب از سرناها، طبل‌ها و شیپورها در حال ترنم بودند و ساززن‌ها نیز با پرچم‌هایی که به همراه داشتند دوه‌دو سوار شتر و توپچی‌ها سوار بر اسب بودند. هم‌چنین فراش‌ها برای جلوگیری از ازدحام جمعیت، مردم را کنار می‌زدند و پیشاپیش حاکم حرکت می‌کردند (سرنه، ۱۳۶۲: ۲۶۷). برای زینت کار اسب‌های زیادی را با زنجیرها و نوارهای طلایی آراسته و افسار آن‌ها را به دست جلوداران می‌دادند سپس صاحبان آن‌ها که افراد متشخصی بودند در صف ملتزمین حاکم پیاده حرکت می‌کردند (سرنه، ۱۳۶۲: ۲۶۷). از طرفی حکام برای این‌که نظر همگان را به خود جلب کنند، از سفرای خارجی حاضر در منطقه‌ی تحت حاکمیت خود برای حضور در مراسم خلعت پوشی دعوت می‌کردند (ویلز، ۱۳۶۸: ۲۹۴-۲۹۳؛ بتنان، ۱۳۹۰: ۱۰۳). گستردگی مراسم تعجب سیاحان را برمی‌انگیخت: «این مراسم چنان دامنه‌ی وسیعی دارد که در اروپا چنین آیین‌هایی برای مردم کاملاً بی‌سابقه و ناشناخته است (سرنه، ۱۳۶۲: ۲۶۷).

پس از انجام این تشریفات، نمایش‌های نمادینی برگزار می‌شد و اعیان و بزرگان شهر به پیشواز شخص مورد مرحمت می‌رفتند. سپس وارد سرای حاکم می‌شدند و به افتخار او یک تیر توپ شلیک می‌کردند و تبریک می‌گفتند (پولاک، ۱۳۶۸: ۲۵۴؛ دروویل، ۱۳۶۵: ۱۳۷؛ سرنه، ۱۳۶۲: ۲۶۷). در نهایت با انجام قربانی گاو (ویلز، ۱۳۶۸: ۲۹۶) یا گوسفند (سرنه، ۱۳۶۲: ۲۶۷) زیر پای اسب

خلعت‌گیرنده، مراسم و نمایش خاتمه پیدا می‌کرد (سرنا، ۱۳۶۲: ۲۶۷). پس‌از آن نیز شخص مورد مرحمت سه روز پیاپی خلعت شاهی را در معرض عموم قرار می‌داد و در طول این مدت مهمانی‌های مجلل و باشکوه با حضور بزرگان و محترمین برپا می‌کرد. انجام این تمهیدات از این جهت بود که علاوه بر رونق بخشیدن به ضیافت، درجه‌ی تقرب خود را نزد شاه به میهمانان گوشزد کنند (دروویل، ۱۳۶۵: ۱۳۶؛ موریه، ۱۳۸۵، ج ۲: ۱۲۸). در پایین‌ترین مراتب کارگزاران عصر قاجار، اشخاص به هر نحوی از خلعت شاهی برای نمایش تقرب به شاه و متمایز کردن خود از دیگران استفاده می‌کردند و بر خود مباحثات می‌کردند (بوئه، ۱۳۶۵: ۲۹۷؛ ادوارد یت، ۱۳۶۵: ۳۹۰). گزارش ویلز از پایان مراسم دریافت خلعت شاهی توسط ظل‌السلطان نمایانگر کارکرد سیاسی خلعت و ارتقاء جایگاه سیاسی افراد در انظار عموم بود: «درحالی‌که صدای غرش توپ‌ها همه‌جا را تکان می‌داد ظل‌السلطان مغرور و پر نخوت ناظر بر همه‌ی این احوال ضمن به لب آوردن لبخندی از مظفریت رضایت خاطر خود را نشان داد» (ویلز، ۱۳۶۸: ۱۳۹۷). به‌طور کلی چنین روزی برای شخص گیرنده خلعت، روز بسیار عزیزی بود، چراکه نمایش‌های نمادین و باشکوه به‌منظور نمایاندن تقرب به شاه در انظار عموم، از یک‌سو بر قدرت حکام می‌افزود و از سوی دیگر مردم را در مقابل آن‌ها مطیع‌تر می‌کرد. به‌گونه‌ای که آن‌ها با اعمال فشار بر مردم نه‌تنها هزینه‌های صرف شده برای دریافت خلعت و برگزاری مراسم خلعت‌پوشان را تأدیه می‌کردند بلکه بر ثروت خود می‌افزودند و توانایی مالی خود را برای حضور در میدان رقابت برای حفظ و تصاحب مناصب در سال‌های آتی را حفظ می‌کردند.

۳-۵- هزینه‌تراشی خلعت برای حکام

خلعت‌بخشی و خلعت‌پوشی که غالباً با آغاز سال نو و انتصاب حکام همراه می‌شد، فارغ از اهمیت مادی و معنوی آن، هزینه‌های زیادی برای گیرنده‌ی آن به‌ویژه حکام در پی داشت. حکام بلافاصله بعد از گرفتن خلعت پیشکش‌های ارزشمندی معادل چندین برابر قیمت خلعت دریافتی به شاه تقدیم می‌کردند (شیل، ۱۳۶۸: ۹۵؛ موریه، ۱۳۸۵، ج ۲: ۲۶۸؛ بنتان، ۱۳۹۰: ۸۱-۸۰؛ پولاک، ۱۳۶۸: ۲۵۳). بیشترین هزینه‌های حکام در قبال خلعت دریافتی مربوط به پیشکش‌های تقدیمی به شاه بود (ویلز، ۱۳۶۸: ۲۹۳؛ ادوارد یت، ۱۳۶۵: ۳۹۰) چراکه انجام این رویه بقا و ماندگاری آن‌ها را در منصب فعلی‌شان تضمین می‌کرد (بنتان، ۱۳۹۰: ۸۱-۸۰). از سوی دیگر مراسم و آیین مربوط به خلعت‌بخشی و خلعت‌پوشی، حکام و صاحب‌منصبان را با مخارج سنگین مواجه می‌کرد. بنا بر رسم معمول، خلعت‌ها توسط یکی از محارم، معتمدین و خدمتگزاران درباری ارسال می‌گشت (ویلز، ۱۳۶۸: ۲۹۳؛ دروویل، ۱۳۶۵: ۱۳۷). او پس از رسیدن به محل موردنظر در مکان خلعت‌پوشان توقف می‌کرد (سرنا، ۱۳۶۲: ۲۶۶). پس از انجام مراسم شخصی که به دریافت خلعت مفتخر می‌شد می‌بایست انعام یا خلعتی ذی‌قیمت به خدمتگزار شاه تقدیم می‌کرد که اغلب ارزش آن بیش از خلعت شاهی بود (ویلز، ۱۳۶۸: ۲۹۳؛ پولاک، ۱۳۶۸: ۲۵۴). در این مواقع معمولاً شاه انعام تقدیمی خلعت‌گیرنده به حاملان خلعت را تعیین می‌کرد (پولاک، ۱۳۶۸: ۲۵۴؛ سرنا، ۱۳۶۲: ۲۶۶) که هیچ‌وقت کمتر از ۵۰ تومان نبود و گاه این انعام ممکن بود دو برابر یا بیشتر شود (سرنا، ۱۳۶۲: ۲۶۶). حمل خلعت شاهی به شغل پردرآمدی تبدیل شد و در مواقعی اگر حامل خلعت از دریافت کامل پاداش خود مطمئن نبود، و یا کار پرسود دیگری پیدا می‌کرد پیشاپیش با دریافت مبلغی معین مأموریت محوله را به شخص دیگری واگذار می‌کرد (سرنا، ۱۳۶۲: ۲۶۶). در چنین مواقعی که حاملان خلعت، مأموریت انجام کار را از دیگری خریداری می‌کردند هزینه‌های بیشتری برگیرنده‌ی خلعت تحمیل می‌کردند تا از مأموریت خود منتفع شده باشند. در مواقعی آن‌ها نیز قبل از انجام مأموریت و تحویل خلعت، بخشی از پارچه خلعت را می‌بریدند تا در زمان مقتضی به فروش برسانند (پولاک، ۱۳۶۸: ۲۵۴). لذا خلعت‌گیرنده باید به نحوی شایسته از پیشخدمت و همراهان او استقبال و انعام آن‌ها را پرداخت می‌کرد. بنا بر

گزارش پولاک: «شاه هرگز فراموش نمی‌کند که از فرستاده‌ی خود بپرسد چقدر در این مأموریت مداخل داشته‌اند؛ سوگلی‌های خود را به مأموریت‌های نان‌وآب‌دار می‌فرستد و وای بر حاکمی که در این مورد خست و لثامت به خرج داده باشد. چون معمولاً با حاملان خلعت اسب‌ها، فرش‌ها، خواجه‌ها و غلامان دیگری هم هدیه می‌شود پس اعزام به ولایتی خوب و ثروتمند می‌توانست کیسه‌ی خالی را پر و وضع مغشوش مالی هرکسی را سروسامان دهد» (پولاک، ۱۳۶۸: ۲۵۵).

علاوه بر هزینه‌های فوق، تشریفات مربوط به برگزاری مراسم خلعت‌گیری توسط حکام بر هزینه‌های خلعت‌پوشی می‌افزود. از این رو که حکام به محض اطلاع از حضور نماینده‌ی شاه در مکان خلعت‌پوشان، چادرهای وسیع و مجللی برپا می‌کردند و تا انجام مراسم از حضاری که برای تماشای مرحمت شاهانه آمده بودند پذیرایی می‌کردند (سرنا، ۱۳۶۲: ۲۶۷؛ وامبری، ۱۳۷۲: ۶۴؛ دروویل، ۱۳۶۵: ۱۳۷؛ بنتان، ۱۳۹۰: ۱۰۴-۱۰۳). حکام هم‌چنین برای تزئینات مربوط به مراسم هزینه‌های زیادی متحمل می‌شدند (سرنا، ۱۳۶۲: ۲۶۷؛ بنتان، ۱۳۹۰: ۱۰۴) و در طول مراسم افراد سودجو با قصیده‌خوانی و مدح خلعت‌گیرنده سیل تومان‌های او را به سمت خود سرازیر می‌کردند (سرنا، ۱۳۶۲: ۲۶۸). بر این اساس بنا بر گزارش‌ها به‌وضوح می‌توان دریافت که حکام پس از خلعت‌گیری باید زیان‌های مالی ناشی از آن را با اعمال فشار بر رعایا تأدیه می‌کردند.

۶- نتیجه‌گیری

خلعت‌بخشی شاه و خلعت‌پوشی به‌عنوان یکی از رسوم دیرپای تاریخ ایران که دامنه‌ی آن به دوره‌ی قاجار نیز کشیده شد از نظر مالی و اقتصادی اعضای دخیل در حکومت را تحت تأثیر قرار می‌داد که در این جریان سیاست خاص شاهان قاجار در تعیین زمان تقدیم خلعت و شرایطی که برگیرنده تحمیل می‌کردند اهمیت آن را بیش‌ازپیش افزایش می‌داد. در عصر قاجار یکی از مداخل حکومت که سهمی از خزانه را به خود اختصاص می‌داد پیشکش‌های نوروزی اعیان و بزرگانی بودند که طالب جاه و مقام بودند. از این رو خلعت‌بخشی شاهان قاجار به کارگزاران و اعیان و بزرگان و مصادف کردن آن با زمان تقدیم پیشکش‌های نوروزی عملاً

محرکی برای جاه‌طلبان بود که با تقدیم پیشکش‌هایی بیش بر دیگران، موقعیت خود را تثبیت و یا جایگاه جدیدی به دست بیاورند. به نظر می‌رسد هدف از به کار گرفتن این شیوه توسط شاهان قاجار، به وجود آوردن نوعی فضای رقابتی بین تقدیم‌کننده‌های پیشکش بوده است تا هر کدام از آن‌ها برای کنار زدن رقبای خود تا حد امکان از پر کردن خزانه‌ی شاه دریغ نکنند. پادشاهان قاجار در چنین فضای رقابتی که بین تقدیم‌کنندگان پیشکش ایجاد می‌شد بیش‌ازپیش منتفع می‌شدند و از این طریق علاوه بر تأمین هزینه‌های مربوط به خلعت‌بخشی، خزانه‌ی خود را نیز پر می‌کردند. خلعت که بالاترین لطف شاه به زیردستان محسوب می‌شد از طرف گیرنده‌ی آن به عالی‌ترین شکل ممکن دریافت می‌شد که البته هزینه‌های زیان‌باری به همراه داشت. از سوی دیگر تبعات آن نیز دامن‌گیر رعایا می‌شد. به این ترتیب که شخص خلعت‌گیرنده با توجه به این که هزینه‌های زیادی را در راه دریافت خلعت متحمل می‌شد (از شاه گرفته تا نزدیکان او) با اعمال فشار بر رعایا هزینه‌های زیادی را بر آن‌ها تحمیل می‌کرد و تمام هزینه‌های گرفتن خلعت را به شیوه‌های مختلف از آن‌ها می‌گرفت.

خلعت‌بخشی شاهان قاجار به مرور سیستم اداره‌ی امور کشور را تحت تأثیر قرار داد و به گسترش فساد، رشوه‌خواری، سفله‌پروری و خریدوفروش مناصب منجر شد. در آن فضا متصدیان امور نه بر پایه‌ی توانایی و شایسته‌سالاری، بلکه بر اساس قدرت مالی و ظرفیت بالای تقدیم رشوه و پیشکش برگزیده می‌شدند. نتیجه‌ی دیگر این شرایط این بود که این سیستم فاسد در برابر هرگونه تغییر و تحول اصلاحی در ساختار اداری کشور مقاومت کرده و آن را با شکست مواجه می‌کرد. در این محیط، حکام و کارگزاران حکومتی، مناصب مختلف را نه ابزار و وسیله‌ی خدمت به رعیت، شاه و گسترش آبادانی، بلکه اهرمی برای کسب سود قرار داده بودند، بنابراین فقر، ویرانی و نارضایتی عمومی در سراسر کشور گسترش یافت.

کتاب‌نامه

کتاب

ادوارد یت، چارلز (۱۳۶۵)، *خراسان و سیستان: سفرنامه کلنل یت به ایران و افغانستان*، ترجمه‌ی مهدی رهبری و قدرت الله روشنی، تهران: بی‌نا.

اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۴۵)، *روزنامه‌ی خاطرات اعتمادالسلطنه*، به کوشش ایرج افشار، تهران: امیرکبیر.

امین‌الدوله، میرزا علی‌خان (۱۳۴۱)، *خاطرات سیاسی امین‌الدوله*، به کوشش حافظ فرمانفرمائیان، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های ایران.

اورسل، ارنست (۱۳۸۲)، *سفرنامه‌ی قفقاز و ایران*، ترجمه‌ی علی‌اصغر سعیدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

اولیویه، سفرنامه اولیویه (۱۳۷۱)، *تاریخ اجتماعی - اقتصادی ایران در دوران آغازین عصر قاجار*، ترجمه‌ی محمدطاهر میرزا، تصحیح و حواشی غلامرضا وره‌رام، تهران: اطلاعات.

براون، ادوارد (۱۳۸۱)، *یک سال در میان ایرانی‌ها*، ترجمه‌ی منی صالحی علامه، تهران: ماه ریز.

- بروگش، هنری (۱۳۷۴)، در سرزمین آفتاب (دومین سفرنامه‌ی هنریش بروگش)، ترجمه‌ی مجید جلیوند، تهران: مرکز.
- بننان، آگوست (۱۳۹۰)، سفرنامه‌ی آگوست بن‌تان، ترجمه‌ی منصوره‌ی نظام مافی اتحادیه، بی‌جا: بی‌نا.
- بوئه، موریس دوکوتز (۱۳۶۵)، مسافرت به ایران، ترجمه‌ی محمود هدایت، تهران: جاویدان.
- پولاک، یاکوب ادوارد (۱۳۶۸)، سفرنامه‌ی پولاک (ایران و ایرانیان)، ترجمه‌ی کیکاووس جهانداری، تهران: خوارزمی.
- تانکوانی، ژ. ام (۱۳۸۳)، نامه‌هایی درباره‌ی ایران و ترکیه آسیا، ترجمه‌ی علی اصغر سعیدی، تهران: چشمه.
- تاورنیه، ژان باتیست (۱۳۹۹)، سفرنامه تاورنیه، ترجمه ابوتراب نوری، با تجدیدنظر کلی و تصحیح حمید شیرانی، تهران: سنایی.
- جونز، سرهارفورد (۱۳۸۶)، خاطرات سرهارفورد جونز (روزنامه سفر خاطرات هیئت اعزامی انگلستان به تهران، ترجمه‌ی مانی صالح علامه، تهران: نشر ثالث.
- دالمانی، هنری رنه (۱۳۷۸)، سفرنامه از خراسان تا بختیاری، ترجمه‌ی غلامرضا سمیعی، جلد ۲، تهران: طاوس.
- دروویل، گاسپار (۱۳۶۵)، سفر در ایران، ترجمه‌ی جواد محیی، تهران: گوتنبرگ.
- دوسرسی، کنت (۱۳۶۲)، ایران در ۱۸۳۹-۱۸۴۰ م سفارت فوق‌العاده‌ی کنت دوسرسی، ترجمه‌ی احسان اشراقی، مشهد: انتشارات دانشگاه مشهد.
- دیولافوا، ژان (۱۳۵۵)، سفرنامه‌ی خاطرات کاوش‌های باستان‌شناسی شوش، ترجمه‌ی ایرج فره‌وشی، تهران: دانشگاه تهران.
- دیولافوا، ژان (۱۳۷۶)، ایران کلد و شوش، علی محمد فره وحشی، ج ۶، تهران: دانشگاه تهران.
- رودگی، قنبر علی (۱۳۹۳)، خلعت (در تداول فارسی‌زبانان: خلعت)، دانشنامه جهان اسلام، ج ۱۵.
- ژوبر، پ. آ. (۱۳۲۲). مسافرت به ارمنستان و ایران، ترجمه‌ی محمود هدایت، تهران: تابان.
- سرنای، کارلا (۱۳۶۲)، آدم‌ها و آیین‌ها در ایران، ترجمه‌ی علی اصغر سعیدی، تهران: زوار.
- سیاح، محمد علی (۱۳۴۶)، خاطرات حاج سیاح، به‌کوشش حمید سیاح و تصحیح سیف‌الله گلکار، تهران: امیرکبیر.
- شاردن، ژان (۱۳۷۲-۱۳۷۵)، سفرنامه شوالیه شاردن، ترجمه اقبال یغمائی، تهران: توس.
- شیل، لیدی (۱۳۶۸)، خاطرات لیدی شیل (همسر وزیرمختار انگلیس در اوایل سلطنت ناصرالدین شاه)، ترجمه‌ی حسین ابو ترابیان، تهران: نو.
- شین‌جوه، سوزوکی (۱۳۹۳)، سفرنامه‌ی شین‌جوه (سفر در فلات ایران) پیاده‌گردی راهب بودائی ژاپنی در شمال و شرق ایران، به پیوست مقاله‌ی انتقادی درباره نهضت مشروطه‌خواهی، ترجمه هاشم رجب‌زاده و کینجی ئه‌ا، تهران: طهوری.
- فریزر، جیمزبیلی (۱۳۶۴)، سفرنامه فریزر معروف به سفر زمستانی، ترجمه و حواشی از منوچهر امیری، تهران: توس.

- فلاندن، اوژن (۲۵۳۶)، *سفرنامه اوژن فلاندن به ایران*، ترجمه‌ی حسین نور صادقی، تهران: اشراقی.
- فوروکاوا، نوبویوشی (۱۳۸۴)، *سفرنامه فوروکاوا*، ترجمه‌ی هاشم رجبزاده و کنیچی ئە اورا، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- فوریه (۱۳۸۵)، سه سال در دربار ایران (خاطرات دکتر فوروریه پزشک ویژه‌ی ناصرالدین شاه قاجار، ترجمه‌ی عباس اقبال آشتیانی، تهران: دنیای کتاب.
- فیودور کورف، بارون (۱۳۷۳)، *سفرنامه‌ی بارون فیودور کورف*، (۱۸۳۴-۱۸۳۵ م فوت فتحعلی شاه، به سلطنت رسیدن محمد میرزا و سقوط قائم مقام، ترجمه‌ی اسکندر ذبیحیان، تهران، فکر روز.
- کارری، جووانی فرانچسکو جیملی (۱۳۴۸)، *سفرنامه کارری*، ترجمه‌ی عباس نخجوانی و عبدالعلی کارنگ، بی‌جا: وزارت فرهنگ و هنر، ارشاد کل فرهنگ و هنر آذربایجان شرقی، مؤسسه انتشارات فرانکلین.
- کرزن، جرج ناتانیل (۱۳۷۳)، *ایران و قضیه‌ی ایران*، ترجمه‌ی غلامعلی وحید مازندرانی، ۲ جلد، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- کمپفر، انگلبرت (۱۳۶۳)، *سفرنامه کمپفر*، ترجمه‌ی کیکاووس جهانداری، تهران، خوارزمی.
- گروته، هوگو (۱۳۶۹)، *سفرنامه گروته*، ترجمه‌ی مجید جلیوند، تهران: مرکز.
- ماساهارو، یوشیدا (۱۳۷۳)، *سفرنامه‌ی یوشیدا ماساهارو*، ترجمه‌ی هاشم رجبزاده و نی ئی یا، مشهد: موسسه چاپ و انتشارات استان قدس رضوی.
- مستوفی، عبدالله (۱۳۸۶)، *شرح زنگانی من: تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجار*، ج ۱: تهران: هرمس.
- موریه، جیمز (۱۳۸۵)، *سفرنامه‌ی جیمز موریه*، ترجمه‌ی ابوالقاسم سرس، تهران: توس.
- موزر، هنری (۲۵۳۶)، *ترکستان و ایران (گذری در آسیای مرکزی)*، ترجمه‌ی علی مترجم، به کوشش محمد گلین، تهران: سحر.
- وامبری، آرمینیوس (۱۳۷۲)، *زندگی و سفرهای وامبری دنباله‌ی سیاحت درویشی دروغین*، ترجمه‌ی محمدحسن آریا، تهران: علمی و فرهنگی.
- ویلز (۱۳۶۸)، *ایران در یک قرن پیش (سفرنامه‌ی دکتر ویلز)*، ترجمه‌ی غلامحسین قراگوز لو، تهران: اقبال.
- هالینگری، ویلیام (۱۳۶۳)، *روزنامه سفر هیئت سر جان ملکم به دربار ایران*، ترجمه‌ی امیر هوشنگ امینی، تهران: کتاب‌سرا.

مقالات:

- امیر نیما الهی و صمد سامانیان (۱۴۰۰)، *تحلیل جامعه‌شناختی آداب خلعت و جامه بخشی در دوره خلافت فاطمی*، ۱۲ (۱) ۱-۲۴.
- doi:۲۰۲۱,۳۰۹۴۶۰,۶۵۴۱۷۶JHIC./۱۰,۲۲۰۵۹

سبز علی پور، جهان دوست(۱۳۸۵)، خلعت و خلعت بخشی (نگاهی به خلعت و خلعت بخشی در تاریخ)، مجله آموزش زبان و ادب فارسی، ۱۹(۲) ۲۶-۲۸.

مافی تبار، آمنه(۱۴۰۱)، بررسی ارزش و اعتبار منسوجات در ایران از منظر سیاحت نامه های عصر قاجار، فصلنامه پژوهش های تمدن ایرانی، ۴ (۱) ۱-۲۱.

doi:۲۰۲۲,۲۰۰۳۱,۱۱۲۲JIC./۱۰,۲۲۱۰۳

مرزبان و قاری، معصومه و محمدرضا(۱۳۹۷)، بررسی ویژگی های سبکی و شگردهای خاص بیهقی و فردوسی در توصیف آیین خلعت بخشی، فصلنامه تخصصی سبک شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، ۱۱، (۳)، ۲۸۷-۳۰۸.

اسناد

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران: ساکما، ۱۲۸۹: ۲۹۵/۲۵۷۲.

ساکما، ۱۳۹۹ق: ۲۹۶/۸۶۷۰.

ساکما، بی تا: ۲۹۶/۱۱۶۳۶.

the Economic Functions of Gifts and Giving Gifts in the Qajar era (According to the Report of Foreign Tourists)

Abstract

During the Qajar era, all kinds of offerings, including robes and offerings, were always exchanged between the king and the lower officials, and sometimes the ambassadors of foreign countries. One of the most important offerings that was given as a royal gift by the king to his subordinates during this period and has been the focus of foreign tourists' attention was the royal robe. Khilat was a kind of garment or body covering that was given to people who had the position, position, and position, especially government officials, by the king at special times, especially during Nowruz. The disrobing and granting of the royal dispensation was accompanied by rituals and requirements, and the position of the people receiving the disrobing and the importance of their services to the Qajar kings played a significant role in determining its type. In this research, we seek to answer this question, based on the understanding and reports of foreign tourists, what was the king's disrobing and disrobing in the Qajar era, and what were the economic functions, consequences, and factors influencing it? The findings of the research indicate that the sending of the khilat by the king until it reaches the person to be blessed was done with special ceremonies, which was economically considered one of the revenue generating channels of the court, and according to the mechanism used to grant the khilat, the expenses related to It was reduced for the court. On the other hand, the khilaat granted to the blessed person brought harmful effects such as financial pressure on the subjects under their control.

Key Words: Khilaat, offerings, Qajar kings, government positions, ceremonies.